



Editorial Note



Sport Management: From Education to Application

Rahim Ramezanijad*

Professor of Sport Management. University of Guilan

The body of interdisciplinary knowledge of sport science has been fortified through scientific borrowing, the application of theoretical foundations from tangential disciplines, and the utilization of diverse research methodologies. The 1970s and particularly the 1980s represent the era of specialization within the sport sciences. Sport management emerged from the nexus of human and social sciences, initially adopting pedagogical and philosophical paradigms akin to educational leadership; however, the subsequent commercialization and professionalization of sport shifted its conceptual framework toward the sport industry and business management. This evolution presents several fundamental challenges.

The primary challenge concerns pedagogical content and curricula, which must balance traditional educational values with commercial imperatives and the proliferation of diverse sport organizations, roles, and events, necessitating a synergy between theoretical knowledge and practical internship experience. A secondary concern involves alignment with contemporary research trends and the pursuit of rigorous qualitative inquiry. The third challenge entails the further specialization of the discipline through the theorization of both global and indigenous sporting issues, though the present analysis focuses exclusively on the pedagogical dimension. Regarding the first challenge, sport management advances toward maturation by enhancing the competency profiles of educational programs through collaborative efforts with experts in related disciplines. Interdisciplinary engagement at the individual level or through the development of collaborative curricula and research projects provides a strategic opportunity to establish a robust foundation for the field, leveraging external scientific insights to facilitate academic and professional progression. An evaluation of current curricula indicates a departure from purely theoretical frameworks toward market oriented practices. Furthermore, domestic research in sport management has increasingly gravitated away from scholastic and recreational contexts toward professional sport, club structures, and commercial enterprises, with a disproportionate emphasis on sport marketing theories relative to other sub-disciplines. Practitioners within sport organizations find that formal education alone is insufficient; success depends upon the ability to apply theoretical insights within organizational settings and adapt to multifaceted professional demands. While numerous administrators secure roles based on individual executive triumphs or distinguished athletic and coaching backgrounds, the complexity of the sport industry renders specialized academic training an absolute necessity. Although universities bear the primary responsibility for professional training, significant concerns persist regarding the practical utility of specialized education and the subsequent integration of this expertise within public and private sectors.

Moreover, educational programs must evolve to distinguish the discipline from related fields, as its broad interdisciplinary overlap with history, philosophy, sociology, and psychology remains a point of contention that requires further specialization. Specialized maturation requires scholars to focus on specific domains and engage with particular research trends to foster robust theorization. Such transformation must originate internally, necessitating collaborative efforts across disciplinary boundaries to deepen the academic impact of the field. Professional competency is cultivated through rigorous education, practical experience, and eventual professionalization, a state that requires continuous commitment to maintain. Irrespective of the specific career trajectories students may pursue, the integrity of educational training remains paramount.





مدیریت ورزش: از آموزش تا کاربرد

رحیم رمضانی نژاد* ID

* استاد مدیریت ورزش دانشگاه گیلان

بدنه علمی یا ساختار دانش میان رشته‌ای ورزش از طریق وام‌گیری علمی، استفاده از مبانی نظری سایر علوم و کاربردی ساختن آنها و در نهایت با روش‌های مختلف پژوهش موفق بوده است. دهه ۱۹۷۰ و به ویژه ۱۹۸۰ میلادی را می‌توان دوران تخصصی شدن رشته‌های علوم ورزشی نامید. مدیریت ورزش نیز از رشته‌های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی بود و با رویکردی آموزشی، تربیتی و فلسفی شکل گرفت (مدیریت آموزشی)؛ ولی با تجاری شدن و حرفه‌ای شدن ورزش، محتوای علمی و کاربردی آن بیشتر به عنوان صنعت و تجارت ورزشی مفهوم‌سازی شد (مدیریت بازرگانی). به نظر می‌رسد در مسیر این تحول، چند چالش اساسی وجود دارد. چالش اول به آموزش و محتوای برنامه‌های درسی مرتبط است که باید ضمن حفظ رویکرد تربیتی همراه با رویکرد تجاری و رشد سازمان، مشاغل و رویدادهای مختلف به یادگیری همزمان دانش مدیریت ورزش و تجربه یا کارآموزی تقویت شود. موضوع دوم، پیروی از جهت‌گیری یا ترندهای پژوهشی و پژوهش‌های کیفی و عمیق است؛ و چالش سوم، تخصص‌سازی مدیریت ورزش از طریق تئوری‌پردازی و تئوریزه‌سازی مسائل و موضوعات جهانی و بومی ورزش می‌باشد که در این سخن، فقط چالش آموزش بررسی شده است.

در چالش اول، مدیریت ورزش هنگامی به سمت توسعه پیش می‌رود که با همکاری مشترک متخصصان رشته‌های مرتبط و نزدیک، نیمرخ شایستگی برنامه‌های آموزش مدیریت ورزش را ارتقا دهد. تعامل با همه رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی در سطح فردی (همکاری افراد متخصص رشته‌های مختلف) یا در سطح تدوین برنامه‌های آموزشی مشترک و نهایتاً همکاری در پروژه‌های پژوهشی و کاربردی مشترک یک فرصت و نقطه قوت است تا با یک پیوند متعادل و اصولی و با استفاده از سایر علوم، بنیانی محکم برای مدیریت ورزش بنا کرد تا باعث ارتقا و پیشرفت هرچه بیشتر این رشته شود. بررسی برنامه‌های آموزشی نشان می‌دهد که این حرفه از حالت آموزشی و نظری خارج شده و به سمت امور تجاری تغییر یافته است. حتی بسیاری از پژوهش‌های مدیریت ورزش در کشور از سطح مدارس و دانشگاه‌ها یا ورزش همگانی و تفریحی بیشتر به سمت ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌ها و کسب و کار ورزشی تغییر جهت داده‌اند؛ حتی نظریه‌پردازی در حوزه بازاریابی ورزش بیشتر از دیگر حوزه‌های مدیریت ورزش است. ضمناً مدیران سازمان‌های ورزشی با آموزش مدیریت ورزش فقط نصف راه را پیموده‌اند و در صورتی موفق می‌شوند که بتوانند دانش و تجربه خود را به طور کاربردی در انواع سازمان‌ها و برنامه‌های ورزشی بکار گیرند و همچنین پاسخگوی نیازهای شغلی متنوع در این حرفه باشند. با اینکه مدیران بسیاری به دلیل موفقیت‌های شخصی در سایر فعالیت‌های اجرایی یا سوابق درخشان ورزشکاری و مربیگری در مدیریت ورزش بکار گرفته شده‌اند؛ ولی پیچیدگی صنعت ورزش، آموزش تخصصی را گریز ناپذیر کرده است. البته، تربیت حرفه‌ای در مدیریت ورزش از مسئولیت‌های اصلی دانشگاه‌هاست، ولی نگرانی‌هایی، هم از نظر آموزش‌های کاربردی و تخصصی و هم از نظر دستیابی به موقعیت‌های شغلی و استفاده از این دانش در سازمان‌های دولتی و خصوصی وجود دارد.

از طرف دیگر، برنامه آموزش مدیریت ورزش باید به گونه‌ای توسعه یابد که بتوان آن را از سایر رشته‌ها و گرایش‌های مشابه تفکیک و متمایز نمود؛ چون وسعت مطالعاتی و تعامل آن با تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و غیره هنوز یک مسأله اساسی است و راه حل آن نیز تخصصی‌سازی رشته مدیریت ورزش است و برای این که بدنه رشته، تخصصی شود محققان نیز باید در زمینه‌های علمی خاصی به آموزش تخصصی بپردازند و از ترند یا ترندهای خاصی در پژوهش پیروی و نظریه‌پردازی کنند. این تغییر باید از ما آغاز شود و اگر قرار است این رشته توسعه و تعمیق یابد، پس باید برای ترویج و تعمیق آن با یکدیگر و همکاران دیگر رشته‌ها همکاری کنیم. آمادگی حرفه‌ای در این رشته از طریق آموزش کیفی، کسب تجربه، اشتغال و در نهایت حرفه‌ای شدن بدست می‌آید و با حرفه‌ای ماندن استمرار می‌یابد. صرف نظر، از حرفه‌ها و مشاغلی که دانشجویان ممکن است به آن دست پیدا کنند یا دسترسی به آن مشاغل مشکل باشد، باید آموزش را جدی گرفت.